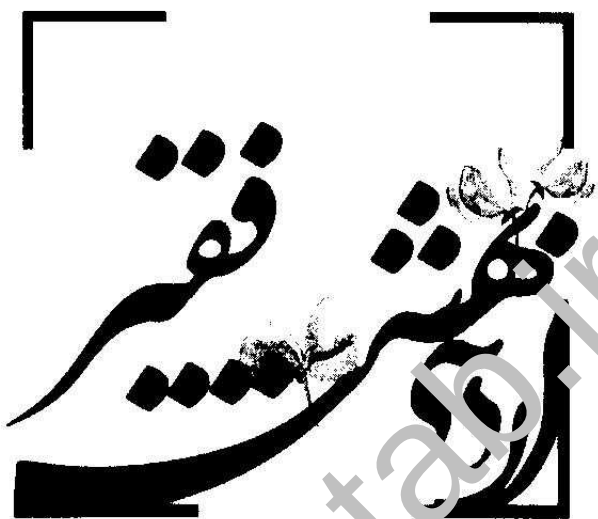




براساس زندگی نامه و خاطرات سردار شهید سید محمد حسینی

(معاون گردان پیاده ی تیپ یکم لشکر امام حسین (ع)
نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

نویسنده: طاهره میرزائی
باهمکاری: ریحانه محترمی

سرشناسه: میرزائی، طاهره، ۱۳۶۰ تیر -
 عنوان و نام پدیدآور: اردیبهشت فقیر: براساس زندگینامه و خاطرات شهید سید فقیر حسینی /
 نویسنده طاهره میرزائی، با همکاری ریحانه محترمی
 مشخصات نشر: بیرجند: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (خراسان جنوبی)، فرماندهی سپاه انصار
 الرضا (ع)، انتشارات، ۱۳۹۸
 مشخصات ظاهری: ۱۵۶ص
 شابک: ۶۴۳۲۴۶-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 عنوان دیگر: براساس زندگی نامه و خاطرات شهید سید فقیر حسینی
 موضوع: حسینی، سید فقیر، ۱۳۳۹-۱۳۶۲
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - شهیدان - خاطرات
 موضوع: Iran-Iraq war, 1980-1988 - Martyrs - Diaries - خاطرات
 موضوع: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات
 موضوع: Martyrs-Iran-Survivors-Diaries
 موضوع: شهیدان - ایران - خراسان جنوبی - سرگذشته
 موضوع: Martyrs-Iran-Khorasan, Southern-Biography
 شناسه افزوده: محترمی، ریحانه، ۱۳۶۴ -
 شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (خراسان جنوبی). فرماندهی سپاه انصار الرضا (ع).

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

رده بندی: سره: DSR ۱۶۲۶

شماره: ۶۰۴۷۹۱۳۳/ملی: شناسی ملی:



عنوان:	اردیبهشت فقیر
نویسنده:	طاهره میرزایی
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۴۳۲-۴۶-۷
ناشر:	انتشارات انصار الرضا (ع)
طراح جلد:	نفیسه شکرانی
صفحه آرا:	فائزه دستگردی
چاپخانه:	توحید
شمارگان:	۱۰۰ نسخه
نوبت و تاریخ چاپ:	اول ۱۳۹۸
قیمت:	۲۱۵۰۰ تومان

مرکز پخش: خراسان جنوبی - شهرستان بیرجند - خیابان امام موسی صدر غربی - حدفاصل چهار راه و توحید -

پلاک ۴۳ - کنگره ملی ۲۰۰۰ شهید استان خراسان جنوبی

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۷

بخش اول:

خانواده..... ۱۱

فصل اول:

نور چشمان مادر..... ۱۳

فصل دوم:

تکیه گاه پدر..... ۲۷

فصل سوم:

سردارِ برادر..... ۴۳

فصل چهارم:

مهربانِ خواهر (فاطمه سادات)..... ۴۸

فصل پنجم:

آرامِ جانِ خواهر (زهراسادات)..... ۵۴

فصل ششم:

سالارِ خواهر (نرگس السادات)..... ۶۱

فصل هفتم:

سایهٔ سرِ خواهر (هماسادات)..... ۶۷

بخش دوم:

۷۳ بستگان و دوستان

فصل اول:

۷۳ خدا حافظ فقیر

فصل دوم:

۱۰۱ هم‌رزم تنها

فصل سوم:

۱۰۳ همنشین سو

فصل چهارم:

۱۱۱ همبازی بر

فصل ویژه:

۱۲۲ چه سرنوشت قشنگی بر روایتی شهید سید محمدحسین ملایی

۱۲۹ فهرست مصاحبه های انجام شده جهت تالیف کتاب

۱۳۱ ضمایم

پیشگفتار

سپاس بیکران خدای مهربان را که مرا به راهی روشن در وادی مقدس شهیدان کشانید و امید که گام‌هایم در این مسیر پرنور همواره پر توان و محکم باشد. دفاع مقدس از آن فضاهایی است که باید با پای دل در آن قدم بگذاری و گرنه سختی و حساسیت کار بر سر راحت دیوار می‌کشد. من نیز دلم مرا به سمت شهدا کشید و شاید بهتر باشد بگویم شهدا از سر لطف و بزرگواری مرا هم به سلامت خریش راه دادند از این بابت به خود می‌بالم که از شهدا نوشته‌ام و قدمی کوچک با قلمی برداشته‌ام.

شهید سید فقیر حسینی از سرداران شهید خراسان جنوبی است که انسان شدن و انسان ماندن در طول عمر پر برکت خویش به نمایش گذاشته است. نکته‌ای که بیش از هر چیز توجه مرا در زندگی این شهید عزیز به خود جلب کرده، پویایی و اشتیاق اوست به آه‌ختر و رسیدن به کمال. تلاش برای رشد خود و البته دیگران و تعهد شهید به تعالی انسانهای پیرامونش بسیار جالب توجه و آموزنده است.

پشت صحنه این کتاب، تماس‌های مکرر، تحقیق و جست‌وجوهای زیادی وجود دارد تا به متنی برسیم که در عین کشش، روایی و جذابیت، قابل اعتماد و محل رجوع باشد چرا که متن بر اساس خاطره‌هاست و در خیال نویسنده، تخیل جایی ندارد؛ اما تکنیک‌های چینش خاطره می‌تواند به گونه‌ای به کار بسته شود که هیچ لطمه‌ای به استناد نزنند. این که چگونه خاطرات را بچینیم و بدایب پیدا کند خودش یک مهارت خاص است.

درباره خاطره نویسی دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است؛ برخی، خاطره را به مثابه ادبیات یا تاریخ در نظر می‌گیرند. کسانی که به مثابه ادبیات در نظر می‌گیرند معتقدند در کتاب باید آن قدر از آرایه‌های ادبی استفاده کرد که مبدأ کتاب، واقعیت بیرونی و خروجی بر اساس تفکر نویسنده باشد. کسانی هم

می گویند اصلاً چیزی را حذف و اضافه نکنید و خاطره را مثل تاریخ می بینند. اما باید گفت که خاطره، خاطره است نه تاریخ است و نه ادبیات. ما به سبک های مختلف نوشتاری نیاز داریم. رمان، داستان، تاریخ شفاهی و خاطره هر کدام کاربردهای خودشان را دارند که باید در جای مناسب خویش به کار روند.

وقتی خاطرات شهید را از زبان افراد مختلف، گوش می دادم دریافتیم که هر کس به طریق خاص خود این با این شهید بزرگ ارتباط قلبی دارد. یک نفر او را چون راهنما و مرشد خویش می داند؛ دیگری از او یک دوست همیشه همراه در ذهن دارد و فرد دیگر او را یک برادر مهربان و فداکار خطاب می کند؛ بنابراین بر آن شدم (رویه دید هر کدام از این افراد، شهید را مخاطب، قرار دهم و زبان حال آن باشد) به این خاطر و هم با توجه به متن صریح قرآن کریم که «شهید زنده اند، روزی زار خوان بی انتهای پروردگار» مناسب تر دیدم از به جای استفاده از ضمیر غائب (او) از ضمیر مخاطب حاضر (تو) بهره بگیرم تا عطر حضور شهید متن کتاب را نه بسوزد.

در میان مصاحبه هایی که درباره شهید سید فقیر، این دولتمند بزرگ، انجام شده بود، جای همزمان او خالی بود، علت را جویا شدیم، گفتند از بیرجند، تنها یک نفر با او در جبهه حضور داشته که البته در شب عملیات در کنار شهید نبوده و از حال و هوای دم رفتن او بی خبر مانده است. مصاحبه ای خیلی کوتاه در سالیهای گذشته از ایشان یافتیم که امکان تکمیل آن نبود چرا که این رزمنده عزیز، اکنون به رحمت حق رفته است. با پرس و جوی داشتیم که پرونده برخی از همزمان شهید در دفتر حفظ ارزشهای دفاع مقدس استان اصفهان است. پیگیر شدیم تا بخشی از این اسناد را در اختیارمان بدارند اما سیربهای فراوان، بی نتیجه ماند و در نهایت به ما اعلام نمودند که مدرکی از این شهید ندارند. به خاطر این موضوع، فکرم بسیار مشغول بود و جای خالی همزمانش در این اثر، آزارم می داد اما یادم آمد که در مصاحبه ها بارها شنیدیم که سیدفقیر

دوست ندارد بر سر زبانها باشد و در برابر دیده‌ها. دلم را با این اندیشه، آرام کردم که به خواسته شهید، این بخش کتاب، کوتاه باشد و ناگفته.

درباره نام گذاری کتاب باید بگویم از ابتدای نگارش کتاب، نامهای گوناگونی به ذهن رسید و هر کدام پس از مدتی در نظرم رنگ می‌باخت. مصاحبه‌ها را بارها بارها گوش دادم و زندگی شهید را از آغاز تا پایان مرور کردم؛ فروردین، ماهی بود که سید فقیر، این دنیا پا نهاد و اردیبهشت، ماهی که سید، از دنیا پر کشید. به نظرم آن اردیبهشت زمینیان با رفتن «سیدفقیر» خالی شد و به رنگ زمستان درآمد. اما ای سید، اردیبهشت، همان فصل رویش بود؛ رویش دوباره در آسمان و تکثیر در باغ روشن بهشت. پس با لبخندی آمیخته با حسرت نوشتم: «اردیبهشت فقیر».

خاطرات این کتاب در ده بخش ۲۱ فصل گنجانده شده است؛ بخش نخست از زبان خانواده شهید و بخش دوم از زبان بستگان و دوستان؛ فصلی ویژه نیز به کتاب اضافه شده است و دربردارنده یاد خاطره شهید سید محمدحسین ملایی، خواهرزاده سید فقیر است که چهل روز را از شهادت دایی اش متولد شد و سرنوشتی شبیه سید فقیر برایش رقم خورد. از آنجا که تمامی مطالب برگرفته از مصاحبه‌های انجام شده با نزدیکان شهید است، ضمیمه فصلها به خاطر نبود مدرک و منبع مورد نیاز، کوتاه و مختصر نوشته شده است. با آن بسط آن وجود نداشت؛ در مقابل، برای برخی از فصلها منابع و اسناد بیشتری در دست بوده، پس مفصل‌تر بیان شده‌اند. ممکن است بخشی از خاطرات درباره سید، صرفی از زبان شخصی غیر از خودش روایت شده که در فصل مخصوص خود جای گرفته است. ارجاع دهی دورن متنی به خاطر حفظ انسجام و یک دست بودن متن انجام نشده و تمامی منابع و اسناد در پایان کتاب آمده است.

در پایان، شایسته است از همکاری خوب و ارزنده سرکار خانم راضیه فاتحی برای انجام مصاحبه ها و همچنین جناب سرهنگ محمد زهرایی، مسئول مرکز حفظ آثار سپاه انصارالرضا (ع) و جناب سرهنگ رضا معتمدی، مدیر عامل مؤسسه مردم نهاد «آیه های استقامت» سپاس فراوان خود را ابراز کرده و همچنین از انتشارات سپاه انصارالرضا (ع) به خاطر چاپ این اثر صمیمانه تشکر کنم. امید آن که نگاه پر مهر شهیدان با لحظه لحظه زندگی همه ما، گره خورده باشد.

طاهره میرزائی

پاییز ۱۳۹۸